



# استاد مطهری و گفتمان دینی معاصر

عباس بخشی

مسلمان در جهان امروز»<sup>(۱)</sup> است، چنان که می‌گوید: «تنها چیزی که در همه نوشته‌هایم آن را هدف قرار داده‌ام، حل مشکلات و پاسخگویی به سؤالاتی است که در زمینه مسایل اسلامی در عصر ما مطرح است.»<sup>(۲)</sup>

استاد مطهری در پرتو مطالعات فراحوزوی خود، دریافته بود که اندیشه دینی معاصر، زیر نفوذ فلسفه‌ها و آموزه‌های الهیات نوین، با پرسش‌ها و چالش‌های اساسی روبروست، به طوری که، نه تنها مجال بررسی مسایل دینی به صورت گذشته ممکن و مطلوب نیست، بلکه بی‌توجهی به نوع، ماهیت و گستره این قبیل سؤالات، کار ساماندهی اندیشه دینی را با موانع جدی مواجه می‌سازد.<sup>(۳)</sup> از این رو، استاد با

استاد مطهری را با ویژگی‌هایی چون: «نیازشناسی»، «مسأله‌یابی» و «دغدغه دینی» می‌شناسیم. او از جمله متفکران حوزوی بوده، که در عرصه‌های گوناگون فلسفی، کلامی، فقهی، اجتماعی و تاریخی، تأملاتی سنجیده و تحقیقاتی پر دامنه داشته است، تا جایی که آگاهی از نیازها و خلأهای فکری در حوزه معرفت دینی، از او عالمی زمان آگاه و اندیشه‌وری در دانشنا ساخته بود.

مهمترین خصیصه‌ای که استاد شهید را از همگان حوزوی‌اش، ممتاز و متمایز می‌ساخت، روحیه جست‌وجوگری در باب «مسایل جدید» و تلاش در فهم پرسمان‌های نوین از منظری معطوف به «نیازهای انسان

استاد مطهری از دین‌پژوهان بزرگی بود که با توجه به روح زمان، با درک ویژه‌ای از مسایل جدید، به تبیین اندیشه اسلامی در زمینه‌های متنوع فلسفی، اجتماعی و اعتقادی همت گماشت. میراث معنوی وی، آثار گرانسنگی است که او در این زمینه‌ها پدید آورده است. در این جستار، نویسنده با استناد به ۳۵ مأخذ متنوع و با توجه به ویژگی‌های دین‌پژوهی استاد، به رویکردهای اخیر دین‌پژوهی در غرب پرداخته، از آن میان دو دیدگاه عمده و مهم «توجیه عقلانیت دینی» و «تجربه دینی» را مطرح کرده و سپس به ارایه دیدگاه و نقد استاد مطهری از این مقوله پرداخته است.

امعان نظر به رویکردهای متنوع و متکثر «دین پژوهی» کوشید تا گام‌هایی چند از چارچوب تفکر سنتی فراتر نهد و طرحی کلی از «جهان بینی اسلامی» را در عرصه تفکر دینی، ارائه داده و در برابر پرسش‌های نوپیدا، که بیش از پیش صبغه فلسفی و اجتماعی یافته بودند، پاسخی درخور عرضه نماید. چنین روی آوردی در قلمرو «دین شناسی»، از او چهره‌ای «مدافعه‌گر» در عرصه «کلام جدید» ساخته، که در بسیاری از آثار گرانسنگ وی چشمگیر و ملحوظ است.

از سوی دیگر، استاد مطهری به فراست دریافته بود، که اندیشه دینی در حوزه «الهیات جدید غرب» با دو رویکرد عمده، ظاهر شده است. نخست، دیدگاهی که دین را مجموعه‌ای از گزاره‌ها می‌داند و صرفاً به بعد معرفتی و اعتقادی آن نظر کرده و در توجیه عقلانیت باورهای دینی می‌کوشد. و دیگر نگاهی است با رهیافت درونی و احساسی به دین، به طوری که دین را تنها در «تجربه‌های درونی» انسان‌ها جست‌وجو می‌کند.

رویکرد اخیر، واکنشی در برابر غلبه و سیطره «عقل‌گرایی حداکثری»<sup>(۴)</sup> در عصر روشنگری به شمار می‌رود. زیرا فیلسوفان و متفکران قرن هجدهم، در اثر توانا دیدن «عقل» تمنای وقوف بر قوانین حاکم بر ماشین بزرگ جهان را در سر داشته و می‌پنداشتند که در صورت قدرت و آگاهی بر نیروهای طبیعت، می‌توان اخلاق و ارزش‌های زندگی فردی و اجتماعی را بر آن بنا نهاد. این احساس اتکای به عقلانیت، که به تعبیر نیچه: متفکر آلمانی، نوعی «آزاده معطوف به قدرت»<sup>(۵)</sup> بود، با انقلاب صنعتی به اوج خود رسید و انسان عصر روشنگری، خود را از یک سو با قدرت «عقل عملی» روبرو یافت و از طرفی، پیشرفت‌های علوم مختلف و به ویژه فیزیک نیوتنی، توانایی «عقل نظری» را در دید آنان مسجل می‌ساخت. از این منظر، «الهیات طبیعی» با ابتنای بر دلیل‌گروی افراطی، سودای تفسیر تمامیت «دین» را در سر می‌پروراند و چهره معنوی و جاذبه‌های درونی و لطیفه‌های ایمانی دین را مغفول می‌نهد. نتیجه چنین تبیینی از نگاه دینداران، قدرت تکافوی زیست دینی را نداشت و خرسندی ایمان‌باوران را فراهم نمی‌ساخت.<sup>(۶)</sup>

از تیمه دوم سده هجدهم، واکنش‌های متعددی در مقابل «الهیات عقلی» از نقطه نظرهای مختلف فلسفی، ادبی، هنری و دینی برانگیخته شد که همگی در رهیافت احساسی و عاطفی به دین، مؤثر افتادند و زمینه‌های پیدایی «الهیات غیرعقلانی» را، فارغ از هرگونه سازوکارهای

## **\*ویژگی‌های برجسته دین‌پژوهی استاد مطهری، توجه عمیق او به مسأله «تجربه دینی» بوده که به سبب غلبه مباحث سیاسی و لزوم بررسی جایگاه دین در مناسبات اجتماعی در شرایط پس از انقلاب اسلامی، کمتر بدان پرداخته شد و این در حالی است که آن متفکر فرزانه، با طرح چنین دیدگاهی، مقامی ممتاز در «کلام جدید» و «فلسفه دین» به خود اختصاص می‌دهد.**

منطقی و معرفتی، بسط و گسترش دادند. دیدگاه فلسفی «هیوم» (۱۷۱۱-۱۷۶۶م)، اعتماد عصر روشنگری را به توانایی عقل در همه حوزه‌های شناختی، به ویژه در عرصه «الهیات» و تفکر دینی، با چالش‌ها روبرو ساخت<sup>(۷)</sup>، زیرا از نظر او، دایره استدالات عقل بسیار ضیق بوده، در حالی که مسایل زندگی انسان، از گستردگی و وسعت فراوانی برخوردار است. بنابراین، عقل نمی‌تواند جوابگوی نیازهای زندگی آدمیان باشد، در عوض عواطف انسانی حیطه شمول وسیعی دارد که تمام جنبه‌های حیات بشری را دربرمی‌گیرد. به دنبال آن «کانت» (۱۷۲۴-۱۸۰۴م) با نقد عقل نظری و عملی، مدعیات دینی را از قلمرو عقل محض بیرون برده و سرآغاز دیانت را در احساس الزام «اخلاقی» انسان، جست‌وجو کرد و بر این باور پای فشرده، که عقل نظری، به طور صرف در علوم تجربی و ریاضیات کارآمد است، و هنگامی که گام به حوزه «متافیزیک» می‌گذارد، دچار خیالی‌بافی و پریشان‌گویی می‌شود.<sup>(۸)</sup>

مکتب ادبی و هنری «رومانتیسم»<sup>(۹)</sup> نیز با تکیه بر «نیروی حیات» زیستن در پرتو «عقل» را، بدون توجه به عواطف احساسات، ناقض اصالت انسانی قلمداد کرد و ذهن‌ها را هرچه بیشتر به سمت الهیات غیرعقلانی معطوف و از «الهیات عقلانی» دور ساخت. و از پس آن، شلایر ماخر (۱۸۳۴-۱۷۶۸م) با تأثیرپذیری از جریان رومانتیسم و پذیرش دیدگاه کانت در

نقد مابعدالطبیعه، الهیات عقلی را، را فرو بسته‌ای می‌دید که اثری از «دین زنده» و «پویا» در آن منعکس نبود. او بین «الهیات و حیاتی» که یکسره شناخت خدا و آموزه‌های دینی را برپایه کلام «مکشوف» قرار می‌داد و «الهیات طبیعی» که بر استنتاجات منطقی و عقلی تأکید می‌ورزید، راه سومی برگزید که به زعم خود، «کلید» حل الهیات محسوب می‌شد و آن توجه به «تجربه دینی» به منزله مبنای توجیه عقاید دینی بود.<sup>(۱۰)</sup>

سرآغاز دیانت در چشم انداز «شلایر ماخر»، نوعی «بصیرت» و «انتباه» دینی است که با هما رویکردهای «نقلی»، «عقلی» و «اخلاقی» تفاوت بنیادی دارد و قابل تحویل به هیچ یک از آنها نیست. لذا عنصر مشترک در همه ادیان را، «احساس وابستگی به مطلق»<sup>(۱۱)</sup>، دانسته و علم به خداوند را از طریق شهود و حضور و نه برپایه استدلال‌های عقلی و حصولی، ممکن می‌شمارد.<sup>(۱۲)</sup>

پس از او، «ویلیام جیمز» (۱۹۱۰-۱۸۴۲م) و «رودلف اتو» (۱۹۳۷-۱۸۶۹م) بر رهیافت تجربه دینی شلایر ماخر، تکیه زده و آن را به صورت عام و گسترده طرح می‌کنند و با سلب جوهر شناختاری ایمان، بازگشت به ساحت «دل» را در «الهیات مسیحی»<sup>(۱۳)</sup>، رونق می‌بخشند و پیش می‌دهند و با برجسته کردن این بعد از دین، آن را از دسترس «عقل» بیرون می‌برند و بر «تجربه درونی» به مثابه بن‌مایه اصلی و گوهر اساسی دین در حوزه «الهیات معاصر»<sup>(۱۴)</sup> تأکید می‌نمایند.

حال با عنایت به بحث مذکور، که پرسش‌ها و مجادلات متنوعی را در الهیات معاصر دامن زد، و نگاهی اجمالی به سیر «کلام عقلی» و «الهیات اخص» در جهان اسلام<sup>(۱۵)</sup>، و به ویژه دقت در مضامین آموزه‌های «صدرالمتألهین شیرازی»<sup>(۱۶)</sup>، بدین حقیقت رهنمون می‌شویم که فرآیند «تجربه درونی» با رویکردی متفاوت با آنچه در الهیات معاصر غرب<sup>(۱۷)</sup>، مورد مذاقه و گفت‌وگو قرار گرفته، طی شده است و استاد مطهری با اتخاذ روش و مبانی معرفت‌شناختی «حکمت صدرایی»<sup>(۱۸)</sup>، و آگاهی از اهمیت بنیادین مقوله «ایمان» در زیست دینی بشر، سیرمباحث کلامی خود را در سلسله درس‌گفتارهای «مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی»<sup>(۱۹)</sup>، با موضوع «انسان و ایمان»، آغاز می‌کند و چنین رویکردی به بحث مزبور، توجه عمیق استاد را به مسأله «تجربه دینی»<sup>(۲۰)</sup> و نقش سازنده و حیات‌آفرین آن در بستر دینداری، نشان می‌دهد، به طوری که در بسیاری از منشورات

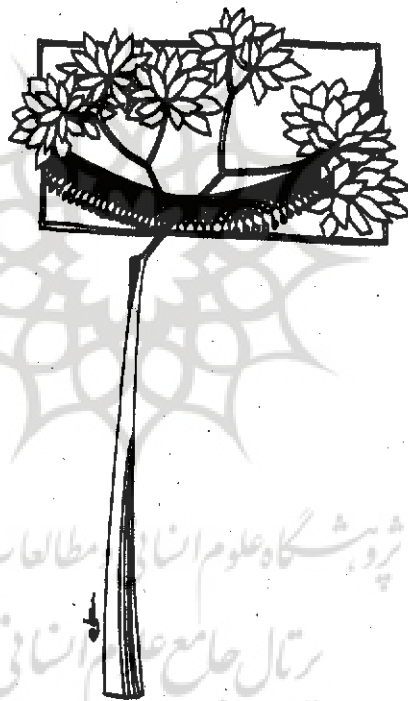
به جا مانده از آن متفکر فرزانه، مباحثی تحت عنوان «حس مذهبی» یا «احساس هستی»، باوام گیری از متفکران و الاهدانان معاصر نظیر پاسکال، ویلیام جیمز، برگسون، یونگ اقبال لاهوری<sup>(۲۱)</sup> طرح گردیده، که دغدغه دینی و ذهن مسأله یاب و زمان آگاهی وی را، در افق اندیشه اسلامی معاصر به نمایش می گذارد.

استاد شهید، از «تجربه درونی» با تعبیر مختلفی چون: «حس معنوی»، «متعالی ترین گرایش های فوق حیوانی بشر»، «زیبایی روح و احساس آدمی»<sup>(۲۲)</sup> و «سرمایه زندگی»<sup>(۲۳)</sup> نام می برد، که ارتباط انسان با هستی مطلق<sup>(۲۴)</sup> را، فراتر از هر گرایش دیگری بیان می کند و اصولاً سروکار قرآن را با این «حس شریف و برتر»<sup>(۲۵)</sup> می داند و می گوید: «قرآن آنجا که از وحی سخن می گوید و آنجا که از قلب گفت و گو می کند، بیانش فراتر از عقل و اندیشه می رود، اما ضد عقل و اندیشه نیست، در این مورد، قرآن بینشی فراتر از عقل و احساس را بیان می کند که در اساس عقل را بدان راهی نیست و از درک آن عاجز است»<sup>(۲۶)</sup>. «معنای این سخن این است که قرآن به نیروی عقل و با استدلال عقلانی برای پیامبر حاصل نشده، بلکه این قلب پیغمبر بود که به حالتی رسیده غیر قابل تصور برای ما، و در آن حالت استعداد درک و شهود آن حقایق متعالی را پیدا کرده است»<sup>(۲۷)</sup>.

تأمل در آراء استاد در باب «تجربه دینی»، از سویی وی را هم افق با دین پژوهان و متألهان معاصر قرار می دهد و از جهتی، وجه تمایز اندیشه او را در تعبیر از «تجربه دینی»، در «جهان بینی بیدار دلانه» و «بینش خردگرایانه» ای که تدوین و تفسیق کرده، بازمی تاباند. زیرا، اگرچه روی آورد استاد به مقوله «تجربه درونی» و توجه او به مسأله «دل» به مثابه کانون احساس دینی، که «ایمان» در مرکز آن جای دارد<sup>(۲۸)</sup> مورد گفت و گو قرار می گیرد، لیکن برخلاف آنچه در الهیات معاصر غرب رایج است، آراء و یافته های استاد در بحث مزبور، تفاوت های دقیقی که ناظر بر بینش دینی برگرفته از کتاب و سنت و همچنین معطوف برآموزه های دین شناسانه حکیم الهی، ملاصدرای شیرازی بوده، نشأت می گیرد.

لذا همان گونه که مفهوم «دین» در الهیات معاصر باتوجه به آنچه که پیشتر اشاره شد، از عنصر معرفتی و گزاره ای بودن، تهی است و به همین جهت، دین تا سرحد یک «احساس» فارغ از «شناخت»، فروکاسته می شود، این مسأله در بینش استاد مطهری، صبغه ای دیگر می یابد، به طوری که «دین»، از مقوله

## مهمترین خصیصه ای که استاد شهید را از همگان حوزوی اش، ممتاز و متمایز می ساخت، روحیه جست و جوگری در باب «مسائل جدید» و تلاش در فهم پرسمان های نوین از منظری معطوف به «نیازهای انسان مسلمان در جهان امروز است.



دستیابی انسان ها به ابزار مقوم حیات مادی، از ایجاد حرکت، شور و حرارت معنوی که لازمه جدایی ناپذیر زیست انسانی به شمار می رود، ناتوان بوده و از شکوفاندن حس زیبایی، اخلاقی، و مذهبی در جان آدمی، عاجز است. زیرا، گرایش های متعالی را نه می توان در آزمایشگاه های علمی و نه از محتوای قیاس های منطقی و استدلال های فلسفی تحصیل نمود، بلکه آنها مولود «ایمان دینی» بوده و از آشخور «تجربه های ایمانی» می نوشند و از این طریق، بقاء و جاودانگی خرد را درافق حیات معنوی آدمیان، دوام و قوام می بخشند.

از این رو، استاد به نسبت میان عقل و ایمان، با توجه به «سرمشق» صدرایی در «حکمت متعالیه»، نه صرفاً به عقل جدا از دین، تکیه می کند و نه ایمان منفصل از خرد را می پذیرد، بلکه به نوعی همگرایی میان عقل و دل قایل می شود و جهان بینی را برپایه روش «اعتدالی» در عرصه مناسبات آن دو، عرضه می کند.<sup>(۲۹)</sup> بر این مبنا، استاد در مواجهه با متون دینی، بر حیثیت گزاره ای آن، تأکید کرده و به عنوان یک «متکلم»، در مقام تبیین، اثبات و دفاع عقلانی از حقانیت دین برمی آید.

تکیه استاد بر بعد ساختاری دین، که وجه فارق دیدگاه او را با غالب اندیشه های دینی عصر حاضر می نمایاند، در راستای اعتبار و حجیت «عقل» که به طور صریح در «کتاب» و «سنت» مورد تأیید قرار گرفته، صورت می پذیرد.<sup>(۳۰)</sup> و همین نشانه های روشن، او را برمی انگیزد، تا پایه های جهان بینی و باورهای دینی را در دانش مابعدالطبیعه<sup>(۳۱)</sup> بجوید، چنانکه می نویسد: «یک مکتب اجتماعی کامل و ایدئولوژی درست، هم نیازمند به یک «نظام فکری و فلسفی» است و هم نیازمند به یک «ایمان»، بدین معنا که هم یک جهان بینی استوار و بینش منطقی خاص و مجهز به استدلال و منظم و به اصطلاح امروز بیستماتیک درباره جهان داشته باشد و هم دارای یک ایمان باشد، یعنی دارای قدرت ایجاد دل بستگی و عشق و محبت نسبت به هدف ها و هدف برتر و مافوق فردی و شخصی باشد».<sup>(۳۲)</sup>

بدین سان، از نگاه استاد منحصراً «دین» بر بعد معرفتی و ادله و براهین منطقی، و مفعول نهادن حالات و احساس های متعالی مذهبی، همان اندازه دور افتادن از «گوهر دیانت» است که سلب «شناخت» و «آگاهی» از آن، که مظهر توانایی دین و عرصه «تبلیغ» و عرضه گوهر آن به شمار می رود. لذا استاد تلاش می کند، در ساماندهی اندیشه دینی، هم جنبه معرفت زایی باورهای دینی را لحاظ کند و هم برکنش ها،

«معرفت» انفکاک نمی پذیرد. چون «دین»، از نگاه وی، واجد دو جنبه «تعلیمی» و «آرمان سازی» است، به لحاظ جنبه «آموزشی»، از ناحیه «عقل» و «منطق معرفت» حمایت می شود و به سبب «آرمان سازی»، بر «دل» و «احساس درونی» ابتناء دارد، چه، منطقی بودن دین، زمینه پذیرش عقلی آن را فراهم می سازد و آرمان سازی آن، جاذبه و کشش و شور و حرارت می آفریند.<sup>(۳۳)</sup> استاد شهید با نکته سنجی و باریک بینی دریافته بود، که اگر «ایمان»، در غیبت «عقل» مجال بروز یابد، آفت تحجر و قشری گری و خرافات، پیکر دین را رانجور و افق بینش دینداران را تاریک می سازد و یا اگر «عقل» به تنهایی قافله سالار کاروان حیات بشری گردد، علی رغم

حالات و دریافتهای لطایف ایمانی، به منزله رهیافتی درونی و شهودی اهتمام ورزد و با تکیه بر چنین نگره‌ای در حوزه «دین‌شناسی»، بین نگاه «درون‌دینی» و دیدگاه «برون‌دینی»، به گونه‌ای جمع کند، تا عقل و ایمان در زیستی همدلانه و مسالمت آمیز، در کنار یکدیگر قرار گیرند و خلوص دینی، در عرصه زیست فردی، توانایی خود را در حیات جمعی نیز به خوبی ساری و جاری سازد.

با این توضیح، روشن می‌شود، جهان بینی دینی، به طور صرف بر فلسفه و عقل محض و استدلال‌های قیاسی ابتناء ندارد و از سطح تحلیل مفهومی و شرح و بسط‌های انتزاعی فراتر می‌رود و ایمان در بستر عقلانیت، ترجمانی معرفتی می‌یابد و عقل و ایمان در یک «تعامل» و «تفاعل» جهان بینی بیدار دلانه‌ای را که آمیزه‌ای از «خرد» و «احساس» و «اراده» است. با توجه به ساحات وجودی انسان، صورت بندی می‌کند و جهان بینی دینی با تکیه بر «وحی» تلقی ویژه‌ای از «هستی» را در سپهر نگاه ایمانیان و دین باوران ترسیم می‌کند که به تنهایی، نه «دانش» است، نه «بینش» و نه «کنش»، بلکه در بردارنده قدر مشترک ابعاد سه گانه وجودی انسان، متناظر با سه بعد دین، یعنی: شریعت، معرفت و تجربت، می‌گردد، و بصیرتی مؤمنانه را، همپای داد و ستد مستمر و متلائم عقلانی، پیش روی می‌نهد، چنانکه از دیدگاه استاد، آیات و روایات فراوانی، دلالت بر این مدعا می‌کند. «قرآن نشان می‌دهد که صرفاً کتاب علمی و تحلیلی نیست، بلکه در همان زمان که از استدلال منطقی استفاده می‌کند، با احساس و ذوق و لطایف روح بشر سخن می‌گوید و جان او را تحت تأثیر قرار می‌دهد»<sup>(۳۲)</sup> و در جای دیگر می‌گوید: «کسی که زبان دل را بداند و با آن انسان را مخاطب قرار دهد، او را از اعماق هستی و کنه وجودش به حرکت در می‌آورد، آن وقت دیگر تنها فکر و مغز انسان تحت تأثیر نیست، بلکه سراسر وجودش تحت تأثیر قرار می‌گیرد»<sup>(۳۵)</sup> و این «احساس معنوی» یا «تجربه درونی»، برای مؤمنان سفری اکتشافی به سوی لایه‌های زیرین و درونی تر «وجود» محسوب می‌گردد که همواره «جان» را می‌گذارد و فراتر از قیل و قال‌های مدرسه، «دل» را به «هستی مطلق» پیوند می‌زند.

آری، از ویژگی‌های برجسته دین پژوهی استاد مطهری، توجه عمیق او به مسأله «تجربه دینی» بوده که به سبب غلبه مباحث سیاسی و لزوم بررسی جایگاه دین در مناسبات اجتماعی در شرایط پس از انقلاب اسلامی، کمتر بدان

پرداخته شد و این در حالی است که آن متفکر فرزانه، با طرح چنین دیدگاهی، مقامی ممتاز در «کلام جدید» و «فلسفه دین» به خود اختصاص می‌دهد که می‌بایست، بیش از پیش در آن کاوید و به دور از افراط و تفریط، آراء و اندیشه‌های کلامی استاد را در ترازوی «گفتمان دینی معاصر» سنجید.

### فهرست بی‌نوشته:

- ۱- نگا: مطهری، مرتضی، پانزده گفتار، (قم: انتشارات صدرا، ۱۳۸۰).
- ۲- نگا: مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱ (قم: صدرا، ۱۳۷۶)، ص ۳۸.
- ۳- نگا: مطهری، مرتضی، ده گفتار (قم: صدرا، ۱۳۶۹)، ص ۱۷۹.
- ۴- نگا: پترسون، مایکل، و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، (تهران: طرح نو، ۱۳۷۶)، ص ۷۲.
- ۵- نگا: نیچه، فریدریش، اراده معطوف به قدرت، ترجمه محمدباقر هوشیار (تهران، نشر فرزانه، ۱۳۷۷).
- ۶- نگا: بخشی، عباس، عقل و دین در عصر روشنگری، (روزنامه اطلاعات، ۷/۳۰/۱۳۷۵)، ص ۶.
- ۷- هرمن رندل، جان و باکتر، جاستوس، درآمدی به فلسفه، ترجمه امیرجلال‌الدین اعلم، (تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۳)، ص ۹۴.
- ۸- نگا: کورنر، اشتفان، فلسفه کانت، ترجمه عزت‌الله فولادوند، (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۷).
- ۹- نگا: جعفری، مسعود، سیررمانتیسیم در اروپا، (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۸).
- ۱۰- نگا: براون، کالین، فلسفه و ایمان مسیحی، ترجمه طاهره وس، میکائیلیان، (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵)، ص ۱۰۹.
- ۱۱- نگا: سایکس، استون، فریدریش، شلایر ماخر، ترجمه منوچهر صانعی، دره بیدی (تهران: انتشارات گروس، ۱۳۷۶)، ص ۷۲.
- ۱۲- کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه (از فیخته تا نیچه)، جلد هفتم، ترجمه داریوش آشوری، (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷)، ص ۱۵۶.
- ۱۳- نگا: هوردن، ویلیام، راهنمای الهیات پروتستان، ترجمه طاهره وس میکائیلیان، (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸).
- ۱۴- نگا: مک کواری، جان، تفکر دینی در قرن بیستم، ترجمه بهزاد سالکی، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸).
- ۱۵- نگا: ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ماجراهای فکر فلسفی در جهان اسلام، جلد ۳،

- (تهران: طرح نو، ۱۳۷۹).
- ۱۶- نگا: جوادی آملی، عبدالله، شرح حکمت متعالیه، بخش یکم از جلد ششم، (تهران: انتشارات الزهراء، ۱۳۶۸).
  - ۱۷- نگا: فعالی، محمدتقی، تجربه دینی و مکاشفه عرفانی، (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹).
  - ۱۸- نگا: مطهری، مرتضی، مقالات فلسفی، ج ۳، (انتشارات حکمت، ۱۳۶۹)، ص ۷۳.
  - ۱۹- نگا: مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، (قم: انتشارات صدرا، ۱۳۶۹).
  - ۲۰- نگا: ریچارد مایلز، توماس، تجربه دینی، ترجمه جابر اکبری، (تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۰).
  - ۲۱- نگا: مطهری، مرتضی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۵ (قم: انتشارات دارالعلم، ۱۳۵۰)، صص ۳۹-۳۵.
  - ۲۲- نگا: مطهری، مرتضی، انسان و ایمان (تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۵۷)، صص ۱۳ و ۳۰ و نیز به: مجموعه آثار، ج ۲، ص ۲۴.
  - ۲۳- نگا: مطهری، مرتضی، امدادهای غیبی در زندگی بشر (قم: انتشارات صدرا)، صص ۴۷ و بیست گفتار، ص ۱۶۲.
  - ۲۴- نگا: مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، ج ۱ و ۲، (قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۰)، صص ۳۵.
  - ۲۵- همان، ص ۳۶.
  - ۲۶- همان، ص ۶۱.
  - ۲۷- همان، ص ۶۰.
  - ۲۸- نگا: مطهری، مرتضی، اسلام و نیازهای جهان امروز (تهران: انتشارات حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱)، ص ۲۰.
  - ۲۹- نگا: مطهری، مرتضی، جهان بینی (۲)، (تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۵۷)، ص ۲۰.
  - ۳۰- نگا: بخشی، عباس، نگاهی به تأملات شهید مطهری در باب تمامات دین و فلسفه (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۳/۲/۱۱)، ص ۷.
  - ۳۱- نگا: مطهری، مرتضی، تعلیم و ترتیب در اسلام (قم: انتشارات صدرا، ۱۳۶۹)، صص ۲۷۲ و نیز به: سیری در سیره نبوی، (قم: صدرا، ۱۳۶۸)، ص ۸۹.
  - ۳۲- نگا: مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه (قم: مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۴)، ص ۳۵.
  - ۳۳- نگا: مطهری، مرتضی، تکامل اجتماعی انسان، (قم: انتشارات صدرا، ۱۳۶۷)، ص ۱۱۳.
  - ۳۴- آشنایی با قرآن، ۲ و ۱، ص ۴۳.
  - ۳۵- همان، ص ۳۵.